

آموزش عالی کشاورزی، معضلات، مشکلات و راهبردهای رفع بحران

رها زارعی^۱، غلامحسین زمانی^۲ و نازنین کیان مهر^۳

^۱دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز (raha.zareie660@yahoo.com)

^۲استاد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز (ghh_zamani@yahoo.com)

^۳دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز (kianaz86@yahoo.com)

چکیده

آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، یکی از پایه های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور می باشد. لذا، بهبود کیفیت آموزش عالی کشاورزی بایستی در راس برنامه های توسعه کشور قرارگیرد. پژوهش ها و مطالعات انجام شده حاکی از آن است که با وجود تمامی تلاشها و توفیقات، آموزش عالی کشاورزی ایران در حال حاضر با چالش ها و تنگناهای متعددی روبروست. در این راستا مطالعه و تجزیه و تحلیل مشکلات و معضلات آموزش عالی کشاورزی کشورمان، حائز اهمیت می باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی مشکلات و بحران های آموزش عالی کشاورزی ایران طراحی و تدوین شد و از روش کیفی برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده گردید. در این راستا تعداد نه مشکل و معضل اساسی در آموزش عالی کشاورزی مورد شناسایی و بررسی قرار گرفت و راهبردها و راهکارهای حل مشکلات معرفی شدند. با جمع بندی نتایج پژوهش، می توان اذعان نمود که جهت ارتقاء کیفیت آموزش عالی کشاورزی لازم است برنامه ریزی دقیق و جامعی صورت پذیرد و با بهره گیری از دیدگاه سیستمی، مسائل مربوط به کل جامعه و از جمله جامعه روستایی و کشاورزی کشور با هم نگرسته شود. همچنین بایستی برنامه های توسعه کشور در افق آینده نیز در نظر گرفته شود.

کلمات کلیدی: آموزش عالی کشاورزی، بحران، راهبرد

^۱ - نویسنده مسئول: رها زارعی. آدرس: بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز. تلفن: ۰۹۱۷۷۹۰۲۵۱۸

Agricultural Higher Education, Dilemmas, Problems and Crisis Resolution Strategies

Raha Zarei¹, Gholam Hossein Zamani², Nazanin Kianmehr³

^{1,3}phd student of Agricultural Education, Shiraz University (raha.zareie660@yahoo.com)

² Prof of Agricultural Extension and Education, Shiraz University (ghh_zamani@yahoo.com)

³phd student of Agricultural Education, Shiraz University (kianaz86@yahoo.com)

Abstract

In particular, agricultural higher education is one of the most important elements of agricultural development in each country. Therefore, improving the quality of agricultural higher education should be placed at the head of the country's development program. Researches and studies have shown that, despite all of the efforts and successes, agricultural higher education in Iran is currently faces with several challenges and problems. In this regard, studying and analyzing the problems and challenges of the agricultural higher education is important in our country. Therefore, this study was designed to investigate the problems and crises of agricultural higher education in Iran and a qualitative research method was used to collect and analyze information. In this regard, number nine basic problems in agricultural higher education were identified and studied and some problem-solving strategies and solutions were introduced. By summarizing the results of the research, it can be admitted that in order to promote the quality of the agricultural higher education, it is necessary to have a thorough and comprehensive planning and, by using a systemic perspective, the issues of the whole society, such as the rural and agricultural community must be considered.

Key words: Agricultural Higher Education, Crisis, Strategy

مقدمه

دانشگاه یکی از با ارزش ترین نهادهایی است که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد و تامین نیروی انسانی متخصص به عنوان مهمترین عامل توسعه در هر کشور از رسالت های نظام آموزش عالی است (زمانی، ۱۳۸۱). آموزش عالی تنها یک سرمایه گذاری در منابع انسانی نیست، بلکه این امکان را به افراد می دهد تا مهارتهایی کسب کنند که رفتار، عقاید و نقش آنها را در جامعه شکل دهد. در بحث از سیاست گذاری و برنامه ریزی نیز آموزش عالی همواره به عنوان مهمترین و سازنده ترین نهاد اجتماعی تلقی می شود که باید بتواند توسعه همه جانبه دانش آموختگان را به همراه داشته باشد (حجازی و مشهدی، ۱۳۸۶). همچنین آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، یکی از پایه های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور می باشد، بنابر این برای تامین توسعه پایدار، باید رشد کیفی نیروی انسانی در بخش کشاورزی نیز مورد توجه قرار گیرد (صفا و همکاران، ۱۳۸۷). زیرا ارتباط مستقیم و مثبت بین آموزش و توسعه نیازی به استدلال ندارد. این ارتباط چنان است که تقویت و گسترش هر یک موجب پیشرفت دیگری می شود (زمانی پور، ۱۳۸۶). در واقع توسعه کشاورزی هر کشوری وابسته به سیاستها، برنامه ها و نظام آموزش کشاورزی آن نظام است (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰) و آموزش عالی کشاورزی به طور اخص، یکی از پایه های اصلی توسعه کشاورزی هر کشور می باشد، بنابر این برای تامین توسعه پایدار، باید رشد کیفی نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد (صفا و همکاران، ۱۳۸۷). با وجود تمامی تلاشها و توفیقاتی که کشورمان در زمینه آموزش عالی کشاورزی از بدو تاسیس تا کنون نائل شده است، باید اذعان نمود که آموزش عالی کشاورزی در حال حاضر با چالش ها و بحران های متعددی روبروست. لذا هدف اساسی مطالعه حاضر، بررسی مسائل و مشکلات پیش روی آموزش عالی کشاورزی است تا بر اساس آن بتوان راهکارها و راهبردهای حل مشکلات را کشف و بررسی نمود. بنابرین در پژوهش حاضر، مهمترین مشکلات و معضلات آموزش عالی کشاورزی ایران بررسی و مطرح شده و راهکارها و راهبردهای حل آنها ذکر و بررسی می شوند. امید است که راهبردها و راهکارهای ارائه شده، در عمل نیز بکارگرفته شوند و آموزش عالی کشاورزی کشورمان به کیفیت و جایگاه مناسب و شایسته نائل گردد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر، کیفی و با توجه به ماهیت و اهداف تحقیق، توصیفی تحلیلی می باشد. اطلاعات مورد نیاز پژوهش در چند مرحله جمع آوری و تدوین شده است. در مرحله اول جمع آوری اطلاعات با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه ای و مقالات و نتایج پژوهشی صورت گرفته است. در مرحله دوم، یافته های حاصل از مرحله اول در یک گروه خبره^۱ چهار نفره در چند جلسه ارائه و بحث و تبادل نظر پیرامون یافته ها و اطلاعات گردآوری شده انجام گرفت (تحلیل در گروه خبره). در مرحله سوم با توجه به نواقصی که در مرحله دوم در گروه خبره در مورد یافته های پژوهش، تشخیص داده شده بود، اصلاحات لازم صورت گرفت و موارد پیشنهادی لازم به پژوهش، اضافه گردید.

نتایج و بحث

در این قسمت از پژوهش، مهمترین معضلات و مشکلات آموزش عالی کشاورزی ایران مطرح می شوند و راهبردها و راه کارهای عملی جهت رفع هر مشکل، آورده می شوند.

۱- معضل بیکاری دانش آموختگان کشاورزی

چالش بزرگی که فرا روی آموزش عالی است و بر سیاست های ارتقای کیفیت تاثیر مستقیم دارد موضوع اشتغال دانش آموختگان دانشگاههاست. از یک طرف، ظرفیت های پایین اقتصاد کشور برای ایجاد شغل و ضعف حمایتی از کارآفرینی و از طرف دیگر ضعف

انطباق رشته های دانشگاهی با نیازهای بازار کار و ضعف آموزش ها و مهارتهای کارآفرینی دانشجویان، موجب بروز مشکلاتی در اشتغال دانش آموزان شده است. بدیهی است که ضعف یک چشم انداز روشن در بازار کار، مستقیماً بر روی انگیزه تحصیلی دانشجویان تاثیر گذاشته و کیفیت یادگیری را تحت تاثیر قرار خواهد داد (توفیقی داریان، ۱۳۸۸). همچنین شواهد آماری نشان می دهند که وضعیت بیکاری در بین دانش آموزان دانشگاهی در رشته های کشاورزی بسیار زیاد است. متخصص هایی که می توانستند با ورود به این بخش و کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت، توسعه و خودکفایی در این بخش شوند، اکثراً یا در این بخش نتوانستند مشغول به کار شوند و بیکار مانده اند یا به اشتغال در بخش های دیگر و شغل های کاذب روی آورده اند (رفیعی طالقانی، ۱۳۸۸). توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی در کشور از یک سو و فقدان ظرفیت های مناسب برای جذب دانش آموزان دانشگاهی از سوی دیگر باعث شده تا فرصتهای تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای بهره وری و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران زا و چالش برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری دانش آموزان تبدیل شوند (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). بعلاوه متاسفانه یکی از معضلات آموزش عالی کشورمان از ابتدا تا کنون، عدم برنامه ریزی مناسب برای تعیین ظرفیت دانشگاهها مطابق با نیازهای کشور بوده است و در نتیجه در سالهای اخیر شاهد این بودیم که بیش از ظرفیت و نیاز کشور، افراد وارد دانشگاهها شده اند و موجب پیامدهای ناگواری مانند عدم اشتغال و بیکاری دانش آموزان دانشگاهها شده است. این مسئله بخصوص برای رشته های کشاورزی و منابع طبیعی حادتر بوده و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، بدون یک برنامه دقیق و حساب شده اقدام به پذیرش دانشجو در رشته های کشاورزی کرده اند که در نتیجه تعداد زیادی از دانش آموزان کشاورزی، دچار معضل بیکاری شده اند. در واقع، پذیرش دانشجو از برنامه ای منطقی، روندی ثابت و پاسخگو به بازار کار تبعیت نمی کند. در جدول شماره ۱ مهمترین علل معضل بیکاری دانش آموزان کشاورزی آورده شده است.

جدول ۱- علل بیکاری دانش آموزان کشاورزی

| محققان | علل بیکاری دانش آموزان |
|---|--|
| توفیقی داریان، ۱۳۸۸؛ موحدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ استواری ۱۳۸۲؛ زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛ توفیقی داریان، ۱۳۸۸ | ظرفیت های پایین اقتصاد کشور برای ایجاد شغل و فقدان ظرفیت های مناسب برای جذب دانش آموزان دانشگاهی ضعف حمایتی از کارآفرینی؛ ضعف آموزش ها و مهارتهای کارآفرینی دانشجویان |
| توفیقی داریان، ۱۳۸۸؛ زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵؛ شجاعی، ۱۳۸۸؛ موحدی، ۱۳۸۳ | ضعف انطباق رشته و سر فصلهای های دانشگاهی با نیازهای بازار کار |
| استواری ۱۳۸۲؛ زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵؛ خسروی پور و سلیمانپور، ۱۳۸۸ | ضعف کیفیت آموزش |
| زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛ زمانی و لاری، ۱۳۸۳ | فراوانی بالای تعداد دانش آموزان کشاورزی نداشتن سرمایه کافی |
| زمانی و لاری، ۱۳۸۳؛ خسروی پور و سلیمانپور، ۱۳۸۸ | عدم داشتن توانایی و ویژگیهای خاص دانش آموزان مرتبط با مشاغل کشاورزی |

- راهکارها و راهبردها برای حل معضل بیکاری دانش آموزان کشاورزی

- راهبرد نیازسنجی برای جذب دانشجویان رشته های کشاورزی: تامین نیروی انسانی متخصص به عنوان یکی از رسالتهای آموزش عالی، نیازمند برنامه ریزی علمی بوده و از آنجا که مبانی و مقدمات برنامه ریزی، نیازسنجی است باید نیازسنجی دقیقی در این خصوص

انجام شود. در راستای واکاوی نیاز به نیروی انسانی روش ها و الگوهای متنوعی وجود دارد که می توان به موارد زیر اشاره نمود (زمانی، ۱۳۸۱):

روش و الگوی چگالی نسبت ها (کسب اطلاعات اولیه و بطور مستقیم از تمامی گروههای بهره بردار و ساختن شاخصها یا نسبتها به صورت ماتریسی از گروههای مختلف کشاورزان بر حسب برخورداری از میزان مالکیت بر منابع تولید و فعالیتهای متنوع کشاورزی از طریق الگوی چگالی. استفاده از این الگو، پیش بینی های دقیق تر، عینی تر و هماهنگ تر با واقعیت های جامعه را عرضه خواهد داشت. این الگو و روش بر مبنای نسبت نیروی انسانی به حجم مشخصی از فعالیت، یا نسبت تعداد شاغلین یک رده شغلی به شاغلین سایر سطوح تخصصی عمل می شود).

- پرسش مستقیم از کارفرمایان
- روش بررسی افزایش نمودی نسبت کار به محصول
- روش مقایسه ای بین المللی
- روش مبتنی بر کشش نیروی کار
- راهبرد ارائه تسهیلات و امکانات مناسب برای فعالیت های کارآفرینی به دانش آموختگان رشته های کشاورزی: بسیاری از دانشجویان رشته های کشاورزی دارای توانمندی و قابلیت کافی برای شروع و راه اندازی فعالیت های کارآفرینی در بازار کار می باشند. اما به دلیل عدم تمکن مالی به دنبال چنین فعالیتهایی نمی روند. لذا، ارائه تسهیلات و امکانات مناسب خاص دانش آموختگان کشاورزی توسط بخش های دولتی و غیردولتی کشور، در این راستا بسیار مفید است. بدون شک اشتغال و کارآفرینی جوانان تحصیل کرده دارای فواید مختلف اقتصادی و اجتماعی متنوعی است که تمامی اقشار جامعه از آن بهره مند خواهند شد.

- راهبرد تغییر سیاست های جذب دانشجویان رشته های کشاورزی برای پذیرش در رشته های کشاورزی: از آنجاکه شرایط ورود به رشته های با پرستیژ اجتماعی بالاتر آسانتر شده (چه از طریق کنکور به دلیل کاهش جمعیت و چه از طریق غیر آزمونی با گسترش و تعدد موسسات آموزشی عالی) انتظار می رود افراد با تواناییها و قابلیتهای مالی و فرهنگی بالاتر، کمتر وارد رشته های کشاورزی شوند و بیشتر دانشجویان رشته های کشاورزی، افرادی با قابلیتهای مالی، فرهنگی پایین و توانایی های کم باشند. مسلماً اینگونه از افراد هم به دلیل ضعف مالی و هم ضعف قابلیت ها و توانمندی های فعالیت های گروهی و کارآفرینی، کمتر می توانند وارد اشتغال در بخش های خصوصی شوند و به خیل دانش آموختگان کشاورزی بیکار افزوده می شوند (زارعی و زمانی، ۱۳۹۳). بنابراین بایستی راهبردهایی برای جذب پذیرش مستعد و توانمند اندیشیده شود. زیرا مسلماً اینگونه دانشجویان در آینده نیز قابلیت و توانمندی کسب شغل در حیطه کشاورزی را خواند داشت. به عنوان مثال بایستی برای پذیرش روستاییان در رشته کشاورزی، اولویت ویژه ای قائل شد. به عنوان مثال، می بایست برای پذیرش داوطلبان آزمون های سراسری دانشگاهها، برای ورود به رشته های کشاورزی برای افرادی که تجربه کار یا سکونت در مناطق روستایی دارند، سهمیه ای خاص در نظر گرفته شود (شاه ولی و نوری پور، ۱۳۸۶).

- راهبرد توسعه روش شناسی آموزش کارآفرینی در دانشگاهها: ضرورت تغییر ماهیت یاددهی و یادگیری و انگاره های آموزشی در جهت تحقق یادگیری کارآفرینانه. در این زمینه بر یادگیری تجربی و فراهم سازی محیط های کلاسی مشوق بحث و تبادل نظر و بهره گیری از روش های تدریس فعال تاکید می شود و از شیوه هایی مانند آشناسازی دانشجویان با پروژه های تجاری، تحقیقاتی و صنعتی، دعوت از کارآفرینان و صاحبان کسب و کارهای موفق برای سخنرانی و تدریس در دانشگاه، بازدید از کسب و کارهای موفق، برگزاری دوره های آموزش خلاقیت و نوآوری، چگونگی ایده یابی، ایفای نقش، بازی و رقابت و نمایش فیلم در مورد کارآفرینان بهره گرفته شود. در همین زمینه تکالیفی مانند نوشتن طرح توجیهی، انجام مطالعات موردی درباره کارآفرینان موفق بخش کشاورزی، آشنایی با بازارهای مرتبط با محصولات کشاورزی مورد توجه است (شریف زاده و عبدالله زاده، ۱۳۹۴).

در همین راستا، شریف زاده و زمانی (۱۳۸۵) در نتیجه مطالعه ای در دانشگاه شیراز، راهکارهای زیر را برای گسترش آموزش کارآفرینی پیشنهاد داده اند:

برگزاری کارگاههای آموزشی جهت معرفی موضوع و خصایص کارآفرینانه؛ تدوین طرح کسب و کار و دیگر قابلیت ها به دانشجویان؛ ارائه درس کارآفرینی برای همه دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی؛ معرفی الگوهای موفق کارآفرینی؛ برگزاری نمایشگاهها و بازدیدهای دانشجویی از کسب و کارها و پروژه های موفق کارآفرینی در سطح کشور؛ تجدید نظر در محتوای درسی با رویکرد خلاقیت پروری؛ فراهم سازی محیط های کلاسی مشوق بحث و تبادل نظر؛ و بهره گیری از فن و روش های تدریس مناسب همانند پروژه های درسی مستقل، حل مساله و تفکر انتقادی.

- راهبرد بهبود نگرش دانشجویان نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی: تحقیقات ثابت کرده است که نگرش مثبت نسبت به بخش کشاورزی و اشتغال در این بخش یک فاکتور تعیین کننده است که اشتغال دانش آموختگان کشاورزی در این بخش را پیش بینی می کند. اگر دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی داشته باشند تمام سعی و تلاش خود را جهت دستیابی به اشتغال، دنبال خواهند کرد. اما راهکارهای ایجاد نگرش مثبت در دانشجویان نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی کدام موارد می باشند؟ در ادامه مهمترین راهکارها آورده شده است (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸):

- راهکار افزایش توانمندی دانشجویان در دوران تحصیل: بسیاری از محققان، دلایل بیکاری دانش آموختگان کشاورزی را فقدان مهارت های لازم جهت اشتغال در بخش کشاورزی را برشمرده اند. لذا ارائه آموزش های مناسب جهت افزایش توانمندی و مهارت دانشجویان یکی از راهکارهایی است که می توان جهت بهبود نگرش و در نهایت اشتغال در بخش کشاورزی به آن اشاره نمود.

- راهکار افزایش ارتباط دانشگاه با مراکز کاری: در حال حاضر، مراکز آموزش عالی کشاورزی و مراکز کاری مرتبط با بخش کشاورزی با مشکلاتی نظیر عدم ارتباط کاری نزدیک مواجه هستند. بنابراین لازم است دانشگاهها به صورت مستقیم با نظام ملی کارآفرینی کشاورزی و به صورت غیرمستقیم (از طریق ایستگاههای علمی و تحقیقاتی) با صنایع و دیگر بخش های اقتصادی مرتبط باشند.

۲- معضل آموزش عالی کشاورزی در نگهداشت دانشجویان

در حال حاضر، آموزش عالی کشاورزی کشور با مشکلاتی از قبیل نگهداشت دانشجویان در دانشکده های کشاورزی مواجه است. این وضعیت دشوار، موقعی نمود جدی تر به خود می گیرد که میزان انصراف دانشجویان روند افزایشی داشته باشد (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۵).

در تحقیق که زرافشانی و همکاران (۱۳۹۵) انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که دلایل متعددی به انصراف دانشجویان از تحصیل منجر شده است. در مجموع، ۱۱ طبقه به عنوان عوامل موثر در انصراف دانشجویان شناسایی شده اند که در پیرامند شماره ۱ آورده شده است:



پیرابند ۱- دلایل انصراف دانشجویان از تحصیل

۱. امید نداشتن به آینده کاری رشته کشاورزی
۲. علاقه مند نبودن به رشته کشاورزی
۳. بازخورد منفی مشاوران در انتخاب رشته کشاورزی
۴. مشکلات اقتصادی خانواده
۵. پایین بودن منزلت اجتماعی رشته کشاورزی
۶. مردانه تلقی شدن رشته کشاورزی
۷. مشکلات خانوادگی
۸. علاقه نداشتن به ادامه تحصیل
۹. مشکلات مربوط به دوره خدمت سربازی
۱۰. نبود آگاهی در مورد رشته کشاورزی
۱۱. اشتباه کردن در فرم انتخاب رشته

- راهکارها و راهبردها برای حل معضل آموزش عالی کشاورزی در نگهداشت دانشجویان

- راهبرد تغییر شیوه پذیرش دانشجو: بایستی برای حفظ ارزش تحصیل و اجتناب از نظام مدرک گرایی در شیوه پذیرش دانشجو تجدید نظر صورت گیرد و افرادی که از علاقه و انگیزه بالایی به تحصیل در رشته کشاورزی برخوردارند، پذیرش شوند. به عنوان مثال بایستی برای پذیرش روستائیان در رشته کشاورزی، اولویت ویژه ای قائل شد. به عنوان مثال، می بایست برای پذیرش داوطلبان آزمون های سراسری دانشگاهها، برای ورود به رشته های کشاورزی برای افرادی که تجربه کار یا سکونت در مناطق روستایی دارند، سهمیه ای خاص در نظر گرفته شود (شاه ولی و نوری پور، ۱۳۸۶).

- راهبرد تقویت ارتباط بین دانشگاه و مراکز کاری: تحقیقات نشان می دهد که هرچه ارتباط بین دانشگاه و مراکز کاری بیشتر باشد، گرایش دانشجو به تحصیل و اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر خواهد بود. بعلاوه هرچه فرصت های شغلی بخش کشاورزی بیشتر باشد گرایش به تحصیل و اشتغال در بخش کشاورزی بیشتر می گردد (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸).

- راهبرد مشارکت دانشجویان در نیازسنجی و تدوین برنامه درسی: بسیاری از محققان معتقدند آموزش عالی در زمینه نیازسنجی و تدوین برنامه درسی رویکردی متمرکز و تک بعدی دارد و از نظرات و علایق دانشجویان در تدوین برنامه درسی بهره ای گرفته نمی شود لذا، برنامه های درسی مطابق با علایق و خواسته دانشجویان نمی باشد. بنابراین برای حفظ انگیزه و افزایش علاقه دانشجویان در رشته های کشاورزی، لازم است در برنامه ریزی و تدوین برنامه های درسی از نظرات دانشجویان نیز بهره گرفته شود.

- راهبرد تبلیغات مناسب در مورد رشته های کشاورزی و ایجاد انگیزه و علاقه با استفاده از راهکارهای زیر:

- راهکار تبلیغات: بایستی در راستای افزایش علاقه در دانشجویان رشته های کشاورزی، تبلیغات صحیح و متناسب با جایگاه رشته های کشاورزی صورت گیرد. در حقیقت معرفی فرصت های شغلی در رسانه های گروهی توسط وزارت علوم تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش آموزش کشور و سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی جزو سیاست ها و اولویت دولت قرار گیرد. بعلاوه، تهیه بروشورهای ویژه، تدارک برنامه های بازدید دانش آموزان دوره دبیرستان از مراکز آموزش کشاورزی و تولید محصولات خارج از فصل در گلخانه ها و بازدید از مراکز آموزشی کشاورزی مانند آزمایشگاههای کشاورزی، مراکز کشت محصولات باغی، فرآوری و فروش آن و مواردی از این قبیل ضمن آشنا ساختن افراد با رشته کشاورزی، موجب می شود که افرادی این رشته را انتخاب کنند که به آن علاقه دارند.

- **راهکار مشاوره:** در این زمینه لازم است زمان ثبت نام دانشجویان، افرادی با عنوان نیروهای مشاوره (استادان رشته های کشاورزی، دانشجویان در حال تحصیل و دانش آموختگان موفق) با حضور در محل ثبت نام، دانشجویان تازه وارد را راهنمایی کنند و اطلاعات کافی در خصوص رشته در اختیار آنان قرار دهند تا از این طریق بتوان انگیزه و علاقه لازم را در دانشجویان ایجاد کرد. بعلاوه، به منظور برگزاری جلسات معارفه دانشجویان تازه وارد، شایسته است که کمیته ای از استادان دانشگاه، مشاوران تحصیلی، دانشجویان در حال تحصیل و دانش آموختگان موفق در زمینه کشاورزی تشکیل شود که ضمن معرفی رشته کشاورزی و شغل های مرتبط با آن، انگیزه و علاقه به این رشته را در دانشجویان ایجاد کند. همچنین استادان می توانند با راهنمایی و مشاوره صحیح و به کارگیری روش های انگیزشی از جمله مشارکت دادن دانشجویان در فعالیت های مختلف آموزشی و پژوهشی در دوران تحصیل، فعالیتهای خارج از کلاس، اجاره زمین و عضویت در تعاونی های دانشجویی علاقه و انگیزه دانشجویان را تقویت کنند.

۳- معضل وجود موانع کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی

کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحرانهای داخلی و برای باقی ماندن در عرصه رقابت های جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. ولی در اجرای برنامه ها و دوره های آموزش کارآفرینی موانع بسیاری وجود دارد. ضرورت کارآفرینی در دانشگاهها و نقش آن در توسعه اقتصادی جوامع نیز مقوله ای است که توجه پژوهشگران زیادی را به خود معطوف ساخته است. اما یکی دیگر از مشکلاتی که در آموزش عالی کشاورزی کشورمان وجود دارد، ارتباط محدود بین دانشگاه و دنیای خارج، بی توجهی آموزشگران به یادگیری مهارت های جدید در آموزش زمینه های نوین علوم و محدود شدن قابلیت های یادگیری به واحدهای درسی دانشگاه می باشد. لذا به فعالیت های کارآفرینانه در محیط دانشگاه توجهی نشده و می توان گفت که وجود برخی از عوامل در مسیر تجاری سازی دانش در دانشگاهها، مانع ایجاد کرده که شناسایی و رفع آنها برای ثمربخشی سرمایه گذاری ها و اقدامات انجام شده به منظور توسعه کارآفرینی در دانشگاهها بسیار مهم است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۱).

- راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل و رفع موانع کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی

- **راهبرد وضع قوانین حمایتی مناسب و کافی برای پشتیبانی از دانشجویان کارآفرین:** در بسیاری از موارد، دانشجویان با انگیزه و توانمند به دنبال فعالیت های کارآفرینانه در سطح دانشگاهها می باشند. اما با مشکلاتی مانند عدم وجود قوانین حمایتی و مناسب روبرو شده و از ادامه فعالیت باز می مانند. در این راستا وضع قوانین اصولی و حمایت کننده از دانشجویان کارآفرین ضروری است. همچنین ایجاد و گسترش مراکز رشد، در سطح دانشگاهها می تواند مفید باشد.

- **راهبرد حرکت به سمت ایجاد دانشگاههای کارآفرین:** داشتن مهارتها و صلاحیت های مناسب کارآفرینانه از اهمیت ویژه ای در موفقیت کسب و کارهای کارآفرینانه دارد. در این راستا، بهترین و مهمترین گزینه برای ارتقای مهارتها و شایستگی های کارآفرینانه این است که دانشگاهها متولی امر آموزش از رویکرد کارآفرینانه برخوردار باشند. بنابراین می توان گفت که موسسات آموزشی با طراحی و اجرای برنامه های کارآفرینانه نقش اصلی در ترویج کارآفرینی دارند. بر این اساس، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بایستی مسئولیت های جدیدی در قبال جامعه و توسعه اقتصادی آن تقبل نمایند. به دانشگاهی که چنین مسئولیت هایی را قبول کرده، دانشگاه کارآفرین گفته می شود (شیری و همکاران، ۱۳۹۴).

۴- معضل آموزش عالی کشاورزی در ارائه آموزش های عملی کشاورزی

آموزش عالی کشاورزی بایستی دانش آموختگانی تربیت نماید که از تعهد، تخصص و مهارت کافی برخوردار بوده و به صورت اثربخش در جامعه به فعالیت مشغول شوند. اما امروزه یکی از مشکلات آموزش های عالی کشاورزی، تکیه بیش از حد بر آموزش های نظری و

ارتباط نداشتن آموزش‌های عملی کشاورزی با نیازهای بازار کار و نیازهای دانش‌آموختگان می‌باشد. در واقع، متأسفانه در موسسات آموزش عالی کشاورزی کشورمان، به ارائه آموزش‌های عملی کشاورزی جندان توجهی نشده و بیشتر واحدهای درسی به صورت نظری و تئوری ارائه می‌شوند (زارعی و کیان مهر، ۱۳۹۳).

در تحقیقی که زارعی و کیان مهر (۱۳۹۳) با هدف بررسی موانع و مشکلات آموزش‌های عملی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه شیراز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مهمترین عامل در بین موانع آموزش‌های عملی کشاورزی، عامل انگیزشی است که به تنهایی توانست ۲۳/۱۸ درصد تغییرات را تبیین نماید. این عامل شامل عدم انگیزه در دانشجویان برای کسب مهارت‌های عملی لازم برای ورود به بازار کار، عدم علاقه دانشجویان به کارهای عملی، از جمله فعالیتهای عملی کشاورزی به علت اعتقاد به پایین بودن سطح پرستیژ اجتماعی اینگونه فعالیتهای، عدم علاقه دانشجویان به کارهای عملی به علت کمبود و یا عدم تجربه کار کشاورزی قبل از ورود به دانشگاه و مدرک گرایی دانشجویان و عدم علاقه به یادگیری مهارت‌های عملی می‌باشد. سایر موانع و مشکلات آموزش‌های عملی کشاورزی نیز عبارت بودند از عوامل انسانی مانند ضعف توانایی و مهارت اساتید، مناسب با آموزش‌های عملی، ضعف توانایی و مهارت کارشناسان و مسئولین ارائه‌کننده آموزش‌های عملی برای ارائه اینگونه آموزش‌ها، ناتوانی اساتید برای تشویق دانشجویان برای کسب و فراگیری آموزش‌های عملی، تاکید اساتید بر اهمیت آموزش‌های نظری، بیش از آموزش‌های عملی، ناتوانی اساتید برای ارائه آموزش‌های عملی، مبتنی بر روش‌های نوین آموزشی. همچنین عوامل برنامه ریزی مانند عدم استفاده از عقاید و نظرات دانشجویان در برنامه ریزی آموزش‌های عملی، عدم برنامه ریزی آموزش‌های عملی مبتنی بر پیشرفت‌های نوین کشاورزی، عدم برنامه ریزی آموزش‌های عملی، مبتنی بر نیازهای بازار کار، عدم اختصاص زمان کافی برای ارائه آموزش‌های عملی؛ عوامل فیزیکی مانند کمبود ادوات و ابزار کشاورزی دانشکده، برای ارائه آموزش‌های عملی، کمبود فضای فیزیکی کافی (زمین کشاورزی، آزمایشگاه و غیره) برای ارائه آموزش‌های عملی و پایین بودن کیفیت ادوات و ابزار کشاورزی دانشکده، برای ارائه آموزش‌های عملی.

- راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل آموزش عالی کشاورزی در ارائه آموزش‌های عملی کشاورزی

- راهبرد پایبندی موسسات آموزش عالی کشاورزی به قانون بهره‌وری بخش کشاورزی: بر اساس قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزشی که مبادرت به آموزش رشته‌های مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی می‌نمایند، موظفند از طریق مراجع ذیربط قانونی و با کاهش دروس غیر تخصصی دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی به میزان یک ترم درسی، درس عملی کارورزی متناسب با واحدهای کسر شده و حداکثر به مدت شش ماه در یکی از مزارع دولتی، خصوصی و یا عرصه‌های منابع طبیعی و آبخیزداری را زیر نظر اساتید مربوط با هماهنگی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و منابع طبیعی کشور و یا موسسات استانی، جایگزین نمایند. صدور گواهی پایان تحصیلات مقطع تحصیلی برای این دانشجویان منوط با تایید دوره عملی کارورزی توسط این موسسات می‌باشد.

- راهبرد ایجاد انگیزه در دانشجویان در ارتباط با آموزش‌های عملی: مطالعات نشان می‌دهد که عدم علاقه دانشجویان به کارهای عملی، از جمله فعالیتهای عملی کشاورزی به علت اعتقاد به پایین بودن سطح جایگاه اجتماعی اینگونه فعالیتهای، عدم علاقه دانشجویان به کارهای عملی به علت کمبود و یا عدم تجربه کار کشاورزی قبل از ورود به دانشگاه و مدرک گرایی دانشجویان و عدم علاقه به یادگیری مهارت‌های عملی می‌باشد. از آنجا که علاقمندی و انگیزه افراد به رشته تحصیلی بر سطح عملکرد و در نهایت موفقیت آنها در سطح دانشگاه و در نهایت در سطح جامعه تاثیر زیادی دارد، توصیه می‌گردد، تلاشها و فعالیتهایی در راستای افزایش علاقمندی دانشجویان به رشته تحصیلی، صورت گیرد. البته این فعالیتهای سطح گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. بنابراین می‌توان به راهکارهای زیر اشاره نمود:

- راهکار تبلیغات مثبت در راستای ارتقاء جایگاه کشاورزی و فعالان شاغل در این حیطه: به عنوان مثال، دعوت از کارشناسان و مسئولان موفق و نخبه کشاورزی برای سخنرانی و ایجاد ارتباط با دانشجویان در سطح کشور و در اذهان عمومی توسط رسانه های مختلف می تواند مفید واقع شود.

- راهکار تغییر گزینش دانشجویان رشته های کشاورزی: از آنجا که مطابق با نتایج پژوهش های انجام شده در سطح کشور، اکثریت دانشجویان رشته های کشاورزی، ساکن مراکز استانها و شهرها می باشند و به صورت ملموس با فعالیتهای کشاورزی آشنا نبوده و درگیر کارهای کشاورزی نبوده اند، شاید عدم انگیزه و علاقه آنها به فعالیتهای کشاورزی از این مورد ناشی شده باشد، لذا توصیه می شود گزینش دانشجویان کشاورزی، از بین افراد علاقمند و یا با تجربه کار کشاورزی، صورت گیرد.

- راهبرد تقویت مهارت و توانایی اساتید در ارائه آموزشهای عملی کشاورزی: متأسفانه تعدادی از اساتید، توانایی و مهارت ارائه آموزشهای عملی را دارا نمی باشند. به عنوان مثال نحوه استفاده از برخی از ادوات و تجهیزات آزمایشگاهی برای آنان دشوار و پیچیده می باشد. در نتیجه ترجیح می دهند از آموزشهای تئوری و ساده تر در تدریس خود استفاده نمایند. لذا، ارتقاء کیفیت اساتید در این زمینه در راستای ارتقای آموزشهای عملی میتواند قدم موثری باشد. در نتیجه، برگزاری دوره ها و کلاسهای آموزشی مختص اساتید دانشگاهی و بروز کردن دانش و مهارت آنان در این زمینه موثر می باشد (زارعی و زمانی، ۱۳۹۳).

- راهبرد افزایش کمیّت و کیفیت ادوات و وسایل آموزشهای عملی کشاورزی و به روز کردن آنها مطابق با آخرین یافته های علمی: در بسیاری از موارد یکی از موانع ارائه آموزشهای عملی در دانشگاهها، پایین بودن کمیّت و کیفیت ادوات و تجهیزات مناسب و یا نبود آنها می باشد. بنابراین تلاش دانشگاهها برای خرید و نوسازی وسایل و امکانات مناسب آموزشهای عملی، گامی موثر در این زمینه محسوب می شود (همان منبع).

۵- معضل کمبود امکانات و بودجه دانشگاهها

امروزه اکثریت مراکز آموزش عالی در کشور، از کمبود بودجه بشدت گلایه دارند. در حالی که بودجه نظام آموزش عالی، رقمی کمتر از دو درصد کل بودجه کشور را شامل می شود، اما به دلیل تخصیص نیافتن همین اعتبارات ناکافی، بسیاری از دانشجویان و استادان از وضع فعلی ناراضی هستند. کاهش بودجه های عمرانی و آموزشی دانشگاه ها، تحقق نقشه جامع علمی کشور را هم با چالش جدی مواجه کرده است و این روزها بسیاری از کارشناسان آموزشی از خود می پرسند که چگونه می توان با وجود این حجم از اعتبارات تا سال ۱۴۰۴ در مقام نخست علمی منطقه خاورمیانه قرار گرفت؟

یکی از عمده انتقادهای کارشناسان آموزش عالی، انبوه طرح های عمرانی نیمه تمام در وزارت علوم است؛ در واقع نظر کارشناسان این است که چرا با وجود آن که بودجه های هنگفتی برای کلنگ زنی طرح های عمرانی دانشگاه ها صرف می شود، اما بسیاری از این طرح ها تا سال ها نیمه کاره می ماند و به این ترتیب وقت و بودجه آموزش عالی صرف پروژه هایی می شود که کاربری دیر هنگام دارند. تعداد دانشگاه هایی که با مشکل کمبود بودجه روبه رو هستند، کم نمی باشد و آمار دانشگاه هایی که با بحران کمبود اعتبارات روبه رو هستند، شامل اغلب مراکز آموزش عالی کشور می شود. همچنین آموزش کشاورزی در کلیه سطوح به خصوص سطوح دانشگاهی، به دلیل نیاز به امکانات و وسایل مختلف، بسیار هزینه بر می باشد. تا جاییکه در تمامی کشورهای دنیا یکی از پرخرج ترین رشته های دانشگاهی است. لذا عدم بودجه رسانی مناسب و به موقع به مراکز ارائه دهنده آموزش عالی کشاورزی و عدم تامین وسایل و امکانات مورد نیاز آنها، کیفیت خدمات آموزشی را به شدت خدشه دار می نماید (زارعی، ۱۳۹۵).

راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل کمبود امکانات و بودجه دانشگاهها

- راهبرد تخصیص منابع و اعتبارات مناسب به موسسات آموزش عالی کشاورزی توسط دولت: انتظار می رود که برای افزایش کیفیت آموزش عالی، دید سیاستگذاران آموزشی نسبت به آموزش در بخش کشاورزی تغییر کند و به این نتیجه برسند که آموزش در

بخش کشاورزی تنها نیازمند یک استاد، یک میز و تعدادی دانشجو نسبت و نیازمند امکانات عملی فراوانی (از قبیل زمین زراعی، آزمایشگاه، گلخانه و...) می باشد، لذا بنا بر نیاز و متناسب با امکانات و بودجه نسبت به جذب دانشجویان کشاورزی اقدام کنند و سعی شود بودجه کافی برای تجهیزات مدرن و مجهز کشاورزی (از قبیل لوازم آزمایشگاهی مدرن، تاسیسات و ماشین آلات پیشرفته و به روز) برای دانشجویان و اساتید در سطح دانشگاه ها فراهم شود (عمدتا بودجه از طریق دولت فراهم میشود) برای عملی شدن این مورد، بایستی وضعیت اقتصادی کشور بهبود پیدا کند و حمایت دولت از دانشگاه ها و بخش های تحقیقاتی افزایش یابد.

- راهبرد استفاده از جریان های بودجه ای چندگانه توسط موسسات آموزش عالی: در عصر حاضر، با افزایش محدودیت بودجه در بخش عمومی، فشار بر روی بسیاری از موسسات آموزش عالی در جهت افزایش درآمد و کاهش هزینه ها افزایش یافته است. لذا، موسسات آموزش عالی بایستی با استفاده از جریان های بودجه ای چندگانه به حفظ تعادل بودجه ای خود با منابع درآمدی غیررسمی بپردازند (شیری و همکاران، ۱۳۹۴). به عنوان مثال با توسعه و رشد فعالیت های کارآفرینانه و فروش تولیدات و محصولات به بازار می توان قسمتی از هزینه ها را پوشش داد. به صورت کلی، خروج موسسات آموزش عالی از چارچوبی بسته و تعامل و همکاری با محیط بازار و کسب و کار، فرصتی مناسب برای جذب سرمایه می باشد.

۶- معضل تخصص گرایی شدید رشته های کشاورزی

با توجه به تخصص گرایی شدید رشته های کشاورزی، دروس این رشته ها نیز بیش از حد تخصصی شده و بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که با تخصصی شدن دروس کشاورزی، دانش آموختگان کشاورزی دیدگاه لازم نسبت به کل سیستم کشاورزی و توان مدیریت و برنامه ریزی واحدهای کشاورزی را ندارند و به صورت جزئی و خرد به سیستم پیچیده کشاورزی می نگرند.

راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل تخصص گرایی شدید رشته های کشاورزی

- راهبرد ادغام برخی رشته ها و زیر شاخه های کشاورزی با هدف ایجاد رشته های بین رشته ای: آنجا که زیر شاخه ها و رشته های کشاورزی بیش از حد تخصصی شده و تعدد رشته ها به وجود آمده لزوم یکپارچگی سازی رشته ها و جامعیت آنها بیشتر احساس میشود، لذا توصیه می شود در آینده بعضی از رشته ها ادغام شوند و تعدد رشته های کشاورزی کاهش یابد. در این راستا راه اندازی کمیته یا شورای ویژه ای در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا تشکیل کمیته ساماندهی و توسعه آموزش بین رشته ای زیر نظر شورای گسترش آموزش عالی این وزارتخانه با هدف بازنگری قوانین و مقررات و تسهیل راه اندازی رشته های جدید و بین رشته ای ضروری است (زارعی و زمانی، ۱۳۹۳).

۷- معضل نبود انطباق برنامه های درسی آموزش عالی کشاورزی با یادگیری مادام العمر

کارشناسان معتقدند برنامه های درسی دانشگاه تا کنون مبتنی بر رویکرد سنتی بوده و به جای یادگیری، از پارادایم آموزش، تبعیت می کنند. ویژگی بارز آنها عدم مشارکت همه افراد ذینفع به ویژه عضو هیئت علمی و دانشجو در طراحی برنامه، قطع بودن ارتباط آن با برنامه درسی مقاطع قبلی و تمرکزگرایی است. این برنامه ها براساس شناخت نیازهای واقعی دانشجویان و جامعه طراحی نشده و متناسب با تحول در این نیازها، بازنگری نشده اند. آنها به شکلی یکنواخت و بدون پیش بینی انعطاف طراحی و اجرا می شوند و اغلب با شرایط دانشجویان همخوانی ندارند. علاوه بر این، برنامه های درسی، اغلب از برنامه های درسی دانشگاههای معتبر جهان اقتباس شده و با شرایط دانشگاهها و جامعه ایرانی همخوانی ندارد. همچنین تلاشها برای انطباق آنها با دانش روز در علم برنامه ریزی درسی کافی نبوده و متخصصان این رشته نتوانسته اند وظیفه خود را به خوبی ایفا کنند. لذا، اکثر اندیشمندان و صاحب نظران معتقدند با وجود چنین شرایطی، اگر آموزش عالی بخواهد برای تحقق جامعه یادگیری، کیفیت فرصتهای یادگیری خود را ارتقا دهد در طراحی و اجرای برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام العمر با چالش روبروست (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲).

در ادامه مطالب به مهمترین راهبردهای حل این معضل پرداخته می شود:

- راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل عدم انطباق برنامه های درسی آموزش عالی کشاورزی با یادگیری مادام العمر
- **راهبرد نیازسنجی:** یکی از الزامات آموزش عالی برای ایفای نقش موثر در شکل گیری جامعه یادگیری، نیازسنجی به منظور شناسایی اطلاعات، دانش و مهارت های مورد نیاز افراد برای زندگی فردی و اجتماعی و شغلی است. بنابر این لازم است در ساختار نظام آموزش عالی، کمیته هایی وظیفه نیازسنجی علمی را برعهده داشته باشند. این کمیته از طریق همکاری و فراخوان از سازمان های مختلف مانند وزارت کار، جهاد کشاورزی، بخش صنعت و غیره در جهت شناسایی نیازهای واقعی و همه جانبه جامعه و دانشجویان اقدام نماید.
- **راهبرد انعطاف در برنامه های درسی:** الزام دیگر آموزش عالی برای تحقق جامعه یادگیری، ایجاد انعطاف در برنامه های درسی از طریق پودمانی کردن محتوا، تلفیق آموزش حضوری و مجازی با یکدیگر و بکارگیری نظام تعیین اعتبار برای یادگیری های قبلی به منظور تناسب بیشتر دوره رسمی با شرایط دانشجویان است.
- **راهبرد بومی سازی برنامه های درسی:** یکی از الزام های برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام العمر طراحی برنامه درسی متناسب با شرایط کشور یا برنامه درسی بومی است. تا کنون گرایش زیادی به اقتباس بی چون و چرای برنامه های درسی دانشگاههای معتبر جهان وجود داشته است، در حالیکه لازم است به منظور بهره گیری از تجربیات جهانی، گروهی ویژه از کسانی که با فرهنگ شرق و غرب به خوبی آشنا هستند، برنامه های درسی دانشگاههای معتبر را مطالعه و نقد کرده، نقاط مثبت و منفی آنها را توضیح دهند و جدا نمایند. سپس برنامه درسی جدید و خلاقانه ای متناسب با شرایط کشور و نتایج مطالعه تهیه شود.
- **راهبرد مشارکتی در تهیه و تدوین برنامه درسی:** برای آنکه آموزش عالی بتواند وظیفه خود را در شکل گیری جامعه یادگیری انجام دهد، تمرکز زیادی هرچه بیشتر در نظام برنامه ریزی درسی و افزایش کارایی این برنامه از طریق مشارکت همه ذینفعان به ویژه اعضای هیئت علمی و دانشجویان در تهیه و اجرای برنامه ضروری است.
- **راهبرد پیوستگی برنامه های درسی:** با توجه به ضرورت ارتباط برنامه درسی دانشگاه با برنامه مقاطع قبلی لازم است دست اندرکاران برنامه درسی در آموزش عالی، برنامه های درسی مقاطع قبلی را مطالعه کنند و برای رفع مشکلات آنها رهنمود، پیشنهاد و راهکارهای لازم را ارائه دهند و با دست اندرکاران آن نظام مشاوره و رایزنی کنند. بعلاوه، در ساختار این وزارتخانه ها، شورای مشترکی گنجانده شود که وظیفه آن مطالعه موارد ذکر شده و ایجاد زمینه های همکاری هرچه بیشتر این نظام ها در حوزه برنامه درسی باشد.

۸- معضل نبود برنامه ریزی مناسب برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی کشاورزی

همزمان با افزایش تقاضا برای ورود به دانشگاهها و افزایش تعداد دانشجویان، موسسات ارائه کننده آموزش عالی به شدت افزایش یافته و متنوع شده اند. هم اکنون موسسات ارائه کننده آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی با عناوین آموزشکده، پژوهشکده، دانشکده، دانشگاه و سایر موسسات آموزش عالی در قالب دانشگاه پیام نور، دستگاههای اجرایی، مراکز آموزش عالی مستقل، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری و دانشگاه جامع علمی کاربردی مشغول فعالیت می باشند که متأسفانه بسیاری از آنها از کیفیت آموزشی مناسبی نیز برخوردار نمی باشند. در واقع، به دلیل عدم برنامه ریزی مناسب برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی در سالهای اخیر، شاهد افزایش تعداد این مراکز بوده ایم. بدین معنا که ایجاد مراکز و موسسات آموزش عالی بر اساس برنامه مشخص و نظام مندی استوار نبوده است و به صورت غیر منطقی و بیش از حد در سطح کشور، تاسیس شده اند تا جاییکه امروزه با صندلی خالی در مراکز آموزش عالی کشاورزی کشور مواجه می باشیم.

راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل عدم برنامه ریزی مناسب برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی کشاورزی - راهبرد نیازسنجی برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی کشاورزی: شاید بتوان اذعان نمود که یکی از فاکتورهایی که موفقیت آموزش عالی در تمام زمینه ها را تضمین می کند، مقوله نیازسنجی است. لذا نیازسنجی برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی در نقاط مختلف کشور و تصمیم گیری در خصوص تاسیس این مراکز در مناطق مستعد کشاورزی و روستایی اهمیت فراوان دارد. بخصوص در حیطه نیازسنجی، توجه به فاکتور جمعیتی و روند تحولات آن اهمیت بسیاری دارد. پیش بینی می شود در آینده با رشد منفی جمعیت روبرو شویم و اگر روند تاسیس مراکز آموزش عالی به ترتیب کنونی ادامه یابد در بسیاری از این موسسات آموزش عالی در سال های آینده به شدت با صندلی خالی در دانشگاه ها مواجه خواهیم شد.

۹- معضل نبود ارتباط منطقی بین تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

در کشورمان، بخش تحقیقات و ترویج کشاورزی زیر نظر وزارت علوم می باشد. اما همواره عدم ارتباط موثر بین این سه بخش (آموزش، آموزش های رسمی و دانشگاهی کشاورزی زیر نظر وزارت علوم می باشد. اما همواره عدم ارتباط موثر بین این سه بخش (آموزش، تحقیقات و ترویج کشاورزی) از دغدغه ها و مشکلات بخش کشاورزی به حساب می آید و همین امر موجب ناکارآمدی هر یک از این سه بخش شده است. اما چه راهکارها و راهبردهایی جهت حل این معضل می توان پیشنهاد داد؟ در ادامه مطالب به مهمترین این راهبردها اشاره می شود:

راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل معضل عدم ارتباط منطقی بین تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

- راهبرد کسب ایده از تجارب موفق دیگر کشورها: با نگاهی به تجربه موفق لند گرت کالج های آمریکا شاید این گمان رود که با پیاده سازی سیستم یکپارچه در ایران، بتوان در عرصه کشاورزی به موفقیت چشمگیری نائل شد. اما بایستی توجه نمود که لند گرت کالج ها در بافت فرهنگی و اقتصادی خود موفق بوده است و چون با توجه به نیاز خاص همان کشور (آمریکا) شکل گرفته است، توانسته موفق عمل نماید. بنابر این نسخه برداری صرف، کاری بیهوده به شمار می آید. بعلاوه سالهاست که کشورمان دارای سیستم مجزا بوده است و تغییر یکباره و بدون برنامه ریزی تشکیلات کشاورزی، کاری عبث و بسیار پر هزینه می باشد. بنابر این باید به دنبال راهکاری بود که بتوان وضعیت موجود را بهبود بخشید. لذا، تجربه کشورهای موفق در این زمینه می تواند امید بخش باشد. بسیاری از کشورهای موفق که دارای تشکیلات مجزا نیز بوده اند (کشورهایی مثل کانادا، استرالیا و نیوزیلند) با بکارگیری راهکارهایی توانسته اند بین بخش های ترویج، تحقیق و آموزش ارتباط موثری برقرار کنند. به عنوان مثال عقد قراردادهای بین بخشی بین زیربخش های ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی، موجب ارتباط و تبادل اطلاعات بین این بخش ها با یکدیگر می شوند. به طوری که خلایبی بین بخش ها وجود نداشته و این سه بخش بتوانند به صورت کارا با یکدیگر همکاری نمایند.

نتیجه گیری

آموزش عالی کشاورزی یکی از ارکان اصلی آموزش عالی می باشد که نقش بسزایی در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی دارد (بهرامی و زمانی، ۱۳۸۰). لذا ارتقاء کیفیت آموزش عالی کشاورزی سهمی اساسی در توسعه کشاورزی و همه جانبه کشور ایفا می نماید. این پژوهش با هدف بررسی مشکلات و معضلات آموزش عالی کشاورزی طراحی و تدوین شد. در این راستا، تعداد ۹ مشکل و بحران اساسی از جمله، بحران بیکاری دانش آموختگان کشاورزی، معضل آموزش عالی کشاورزی در نگهداشت دانشجویان، موانع کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی، معضل آموزش عالی کشاورزی در ارائه آموزش های عملی کشاورزی، معضل کمبود امکانات و بودجه دانشگاهها، معضل تخصص گرایی شدید رشته های کشاورزی، معضل عدم انطباق برنامه های درسی آموزش عالی کشاورزی با یادگیری مادام العمر، عدم برنامه ریزی مناسب برای تاسیس مراکز و موسسات آموزش عالی کشاورزی و معضل عدم ارتباط منطقی بین

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی برای آموزش عالی کشاورزی کشور مطرح و بررسی شد. همچنین با توجه به قابلیت های موجود، راهکارها و راهبردهای حل مشکلات شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به نتایج تحقیق می توان اذعان نمود که رفع بحران و مشکلاتی که کیفیت آموزش عالی کشاورزی کشورمان را تحت تاثیر قرار داده است، فرایندی پیچیده و زمانبر می باشد و لازم است جهت حل مشکلات پیش رو راهبردها و راهکارهای مطرح شده در عمل بکارگرفته شده و از حداکثر امکانات مادی و غیرمادی کشور بهره گرفته شود. بعلاوه جهت برنامه ریزی های مفید بایستی با بهره گیری از دیدگاه سیستمی، مسائل مربوط به کل جامعه و از جمله جامعه روستایی و کشاورزی کشور به صورت یکپارچه در نظر گرفته شده و برنامه های توسعه کشور در افق آینده نیز در برنامه ریزی ها مد نظر قرار گیرد. همچنین انتظار می رود مسئولین امر در کلیه سطوح از وزارت علوم تا پایین ترین سطوح دانشگاهها از جزئی نگری و منفعت طلبی شخصی و گروهی پرهیزند و ارتقای کیفیت آموزش عالی کشاورزی را در نظر داشته باشند. همچنین در این راستا مطالعه وضعیت آموزش عالی کشاورزی سایر کشورها و استفاده از تجارب موفق آنها البته با در نظر گرفتن وضعیت کشورمان و بومی سازی آنها می تواند مفید واقع شود.

مراجع

- اکبری، ر.، موحدی، ر.، و کوچکیان، ح. (۱۳۸۸). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه بوعلی سینا همدان). مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۲، شماره ۴، ص ۹۱-۱۰۲.
- بهرامی، ف.، و زمانی، غ. (۱۳۸۰). آموزش عالی کشاورزی و راهکارها. مجله جهاد، سال ۲۱، شماره ۲۴۴ و ۲۴۵، ص ۳۲-۲۷.
- حجازی، ی.، و مشهدی، م. (۱۳۸۶). تاثیر آموزش عالی کشاورزی بر توسعه عمومی دانش آموختگان. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۱، ص ۲۷-۴۲.
- خسروی پور، ب.، و سلیمانپور، م. (۱۳۸۸). راهکارهای آموزشی مؤثر در توسعه اشتغال دانش آموختگان مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خوزستان. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۹، ص ۱۹-۲۸.
- زارعی، ر. (۱۳۹۵). روند تکاملی و تحولات آموزش کشاورزی از گذشته تا کنون (مورد مطالعه: مقطع کارشناسی در ایران). مجموعه مقالات ششمین کنگره ملی علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران.
- زارعی، ر.، و زمانی، غ. (۱۳۹۳). گذشته، حال و آینده آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی. پروژه درس تحلیل برنامه های آموزشی کشاورزی مقطع دکتری، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- زارعی، ر.، و کیان مهر، ن. (۱۳۹۳). موانع و مشکلات آموزش های عملی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان. مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشکده کشاورزی شیراز. مجموعه مقالات پنجمین کنگره ملی علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران.
- زمانی، غ.، و لاری، م. ب. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲، ص ۲۵-۴۲.
- زمانی پور، ا. (۱۳۸۶). آموزش کشاورزی در ایران: آغازی اشتباه و انجمن بی سرانجام. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۳، شماره ۱، ص ۱۴۳-۱۵۹.
- زمانی، غ. (۱۳۸۱). کاربرد الگوی چگالی نسبت ها: در برآورد نیروی متخصص مورد نیاز بخش خصوصی کشاورزی.
- زمانی، غ.، و عزیزی، ط. (۱۳۸۵). تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲، ص ۷۳-۸۶.
- شاه ولی، م.، و نوری پور، م. (۱۳۸۶). سازه های موثر بر نگرش دانشجویان کشاورزی کشور: راهکارهای هدایت داوطلبان به رشته های کشاورزی، دوره ۳، شماره ۱، ص ۵۵-۷۱.

شریف زاده، م.، و زمانی، غ. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. مجله علوم کشاورزی ایران، ویژه نامه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۳۷-۲، شماره ۱، ص ۱۰۷-۱۱۵.

شیری، ن.، میرک زاده، ع.، و زرافشانی، ک. (۱۳۹۴). الزامات ترویج کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.

صفا، ل.، ایروانی، ه.، و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۷). تحلیل دیدگاه دانشجویان نسبت به مولفه های موثر در تبیین کیفیت آموزش کشاورزی (پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران). مجله کشاورزی، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۹۰-۸۳.

کریمی، ص.، نصر، ا.، و شریف، م. (۱۳۹۲). الزامات و چالش های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه یادگیری. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۸، ص ۱۲۶-۸۹.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی.

